

بررسی نقش و جایگاه ساختار کالبدی محله‌های شهری بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی

مهیار اردشمیری: استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
خلیل حاجی‌پور: استادیار برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
سمیه حکیمی: کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران*

چکیده

سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از مشخصه‌های توسعه پایدار دانست به گونه‌ای که در یک جامعه پایدار، درجه بالاتری از سرمایه اجتماعی وجود دارد. سرمایه اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی است که هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی در میان شبکه اجتماعی در سطح محله‌های شهری از وسعت و عمق بیشتری برخوردار است؛ زیرا حس همبستگی اجتماعی، اعتماد میان شهروندان و کنترل‌های غیررسمی که امروزه همگی در بحث‌های نظری از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند، در سطح محله‌های شهری شکل می‌گیرند و انتظام می‌یابند. آنچه که در سطح محله‌های شهری کمک مؤثری به ایجاد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌کند، در حقیقت کیفیت کالبدی- فضایی این مکان‌ها است که حضور یا عدم حضور ساکنان و به تبع آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را به همراه دارد. مسجد، بازارچه، پارک محله، پیاده‌رو، بخش‌هایی از خیابان، مغازه‌ها و غیره، همگی مکان‌هایی برای برقراری روابط چهره به چهره به شمار می‌روند. به این ترتیب، بدون شک کیفیت کالبدی مکان شهری در میزان و نحوه برقراری این روابط اثرگذار خواهد بود. به عبارت دیگر، سازمان اجتماعی موجود در محله شهری، روحی است که در دل جسم محله، کالبد محله دمیده می‌شود و بدون شک، سلامت و کیفیت آن، در گرو سلامت کالبد محله خواهد بود. در مقاله حاضر بر آنیم تا با بررسی نظریه‌های مرتبط با مفهوم سرمایه اجتماعی، و استخراج مؤلفه‌های مربوط به آن، به تبیین نقش ساختار کالبدی محله‌های شهری در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بپردازیم و با بهره‌گیری از جستارها و تحقیقات موجود، راهبردهایی در این زمینه ارائه نماییم.

واژه‌های کلیدی: محله، اجتماع منسجم محلی، کالبد محله، سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح موضوع

تحقیقات در کانادا و آمریکا نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه محله‌ای پایدار است؛ چرا که روابط و همبستگی درون شبکه‌ای [محله] را بهبود بخشیده و بدین ترتیب، دسترسی به منابع بیرونی را بهبود می‌بخشد (Dale & Newman, 2010). از سوی دیگر، برخی معتقدند اهمیت سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری محله‌های پایدار، از آن جهت مورد توجه است که خودکفایی اقتصادی را به دنبال دارد (Barton, 2000: 15). در این میان، توجه به اصول روانشناسانه وجود سرمایه اجتماعی در محله از نظر پنهان نیست؛ وجود حس هویت، احساس امنیت، روابط متکی بر اعتماد متقابل و وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان همگی وجود این نوع از سرمایه در محله را نشان می‌دهند. در واقع، سرمایه اجتماعی همان ابزاری است که مدیریت شهری به آن نیازمند است تا بتواند بخش عمده‌ای از تأمین نیازهای پیچیده ساکنان در محله‌های شهری را به خود آن‌ها واگذارد و خود صرفاً نظاره‌گر باشد تنها در صورت وجود در امور مربوط به محله‌ها مداخله کند.

با آنکه تمامی برنامه‌ریزان و محققان علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، روانشناسی و غیره همگی بر ایجاد و حفظ سرمایه اجتماعی توافق نظر دارند، اما هنوز در زمینه نحوه دستیابی و شکل‌گیری آن پیچیدگی‌های بسیار وجود دارد. در این میان، آنچه از مطالعات انجام شده بر می‌آید، نشانگر آن است که

سرمایه اجتماعی را می‌توان متأثر از ویژگی‌های فیزیکی محله از یک سو و ویژگی‌های اجتماعی آن از سوی دیگر و همچنین تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر دانست. بحث اصلی این موضوع، اثرات دوسویه و متقابل میان ابعاد اجتماعی، ساختاری^۱ و مادی^۲ مکان بر سلامت جامعه محلی است (Macintyre et al., 2002). بر اساس تحقیقات انجام شده توسط زی‌یرش و همکاران در سال ۲۰۰۵ که در کتابی تحت عنوان «زندگی در محله و سرمایه اجتماعی: الزامات سلامت^۳» به چاپ رسید، این نتیجه حاصل گردید که داشتن درک مطلوبی از محله با مفاهیمی چون اعتماد^۴، ایمنی^۵ و ارتباطات محله‌ای^۶ مرتبط است. به عکس، داشتن احساس منفی نسبت به بستر فیزیکی (به اندازه محیط اجتماعی)، به وضوح تأثیر به سزایی بر شکل‌گیری حس مکان دارند (Wood et al., 2012) و از این رو انتظار می‌رود که بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نیز اثرگذار باشند. در حقیقت، از آنجا که در نظریه‌های سرمایه اجتماعی، روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی به شمار می‌روند، بنابراین در صورتی که ساختار کالبدی محله بتواند به روابط چهره به چهره کمک نماید، می‌تواند به عنوان راهکاری در جهت ایجاد و تقویت پیوندها و روابط اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گیرد. به عبارت دیگر،

1 Structural

2 Material

3 "Neighborhood Life and Social Capital: the Implications for Health"

4 Trust

5 Safety

6 Neighborhood Connections

شیوه برنامه‌ریزی و طراحی فیزیکی محله را می‌توان بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مؤثر دانست.

۱-۲- اهمیت و ضرورت

ارتباط میان ساخت کالبدی محله و سرمایه اجتماعی موجب گردیده تا از دهه ۱۹۸۰ به بعد الگوی محله‌های شهری، تحت عناوینی چون دهکده‌های شهری، نوشهرگرایی، توسعه حمل‌ونقل محور، توسعه واحدهای برنامه‌ریزی‌شده و غیره مطرح گردند. هدف همه این الگوها دستیابی مجدد به ایجاد اجتماعات منسجم محلی و بازیابی سرمایه اجتماعی از دست‌رفته در سلول‌های خرد شهری بود به گونه‌ای که راه را برای حل مسائل شهری هموار سازد. این تلاش‌ها تا آنجا ادامه داشته است که در نوشهرگرایی، با تأکید بر تأثیر مطلوبیت کیفیت‌های محیطی بر افزایش تمایل به پیاده‌روی در محله و در نتیجه افزایش میزان ارتباطات چهره به چهره، انتظار می‌رود که همبستگی اجتماعی تقویت گردد. شایان ذکر است که شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی به قدری به یکدیگر وابسته‌اند (Hawe & Shiell, 2000, Bouchard & McDowel, 2007) که برخی یکی را به جای دیگری به کار می‌برند (TDM Encyclopedia, 2011 and Litman, 2012).

در شهرهای سنتی ایران نیز به اعتبار وجود ویژگی‌های کالبدی خاص زمانه‌شان، وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان، نوعی حس تعلق خاطر و هویت را برای اهالی هر محله به همراه داشت که خود سرچشمه ایجاد سرمایه اجتماعی موجود در این محله‌ها بوده است. وجود اعتماد، همبستگی و روح

تعاون و همکاری در اداره امور محله از جمله نشانگرهای وجود این ویژگی هستند. در حقیقت، رشد بطئی کالبد محله‌ها در گذشته، ضمن حفظ ارزش‌های محیط اجتماعی خود، پاسخگوی نیازهای ساکنان خود نیز بودند. با گذر زمان، ایجاد گسست در سازمان فضایی محله‌ها و به تبع آن از میان رفتن اعتبار و هویت کالبدی، در نهایت از بین رفتن سازمان اجتماعی موجود در محله‌های شهری را به دنبال داشته است. به دنبال این مسأله، کاهش کمی و کیفی تعاملات اجتماعی اتفاق افتاد و این در حالی است که در مباحث نظری، میزان و نحوه تعاملات اجتماعی میان ساکنان، وجود یا عدم وجود سرمایه اجتماعی را رقم می‌زند. نبود فضاهای جمعی متناسب با نیاز امروز ساکنان، کاهش تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره را در میان آن‌ها به دنبال داشت تا آنجا که ساکنان را نسبت به یکدیگر بیگانه ساخت. این در شرایطی است که تجربه نشان می‌دهد که بهبود کیفیت محیطی و فضای کالبدی محله، به گونه‌ای که شرایط را برای افزایش تعاملات اجتماعی در آن فراهم آورد، می‌تواند رنگ تعلق، حس هویت، حس اعتماد و در نتیجه آن همبستگی اجتماعی را در میان ساکنان تقویت کند که همگی از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند.

۱-۳- اهداف

اهمیت سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار، شناسایی عوامل تأثیر گذار و یافتن روشهای تقویت این مؤلفه توسعه را ضرورت بخشیده است.

۱-۵- روش تحقیق

بنابر فرضیه و سؤال تحقیق، ماهیت مطالعات حاضر از نوع پژوهش کاربردی بوده و روش مورد استفاده در آن، روش توصیفی-تحلیلی است. بدیهی است گردآوری اطلاعات پایه آن به شیوه اسنادی صورت گرفته است. در این راستا، اطلاعات مورد نیاز از میان نظریه‌های موجود و تحقیقات انجام‌شده توسط سایرین استخراج شده است. بدین منظور، مجموعه کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های علمی داخلی و خارجی انجام‌شده در حوزه سرمایه اجتماعی بررسی شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

۲- مفهوم سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن

سرمایه اجتماعی به معنایی که امروز به کار می‌رود، نخستین بار در نوشته‌های لیداج‌هانی فن^۱ که نظارت مدارس در وست‌ویرجینیای آمریکا را به عهده داشت، به کار گرفته شد و حاکی از اهمیت مشارکت محلی در بالا بردن کارایی مدارس بود. پس از هانی فن ایده سرمایه اجتماعی برای چند دهه مورد بی‌توجهی قرار گرفت. اما این اندیشه دوباره در دهه ۱۹۵۰ توسط یک گروه جامعه‌شناس شهری (سیلی، سیم و لوسلی ۱۹۵۶)، در دهه ۱۹۶۰ توسط یک نظریه‌پرداز بورس (هومانس ۱۹۶۱) و یک نظریه‌پرداز شهری (جیکوبز ۱۹۶۱)، و در دهه ۱۹۷۰ توسط یک اقتصاددان (لوری ۱۹۷۷) بازنگری شد و مجدداً مورد استفاده قرار گرفت (Woolcock & Narayan, 2000).

بررسی ادبیات موجود حاکی از نقش روابط اجتماعی در شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی است. از سوی دیگر پژوهش‌های صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که بافت کالبدی محلات شهری سهم بسزایی در شکل‌گیری روابط اجتماعی دارند. بنابراین، هدف این مقاله، بررسی نحوه تأثیر گذاری کالبد فیزیکی محلات شهری در شکل‌گیری روابط اجتماعی و تبیین نقش آن به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در بهبود سرمایه اجتماعی است.

۱-۴- فرضیه و سؤال تحقیق

با توجه به مبانی نظری، یکی از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی، شکل‌گیری و تحکیم روابط اجتماعی است. از طرف دیگر انتظار می‌رود با رعایت برخی اصول در طراحی محله‌های شهری که موجب احساس تعلق، وحدت اجتماعی و در نتیجه تقویت مشارکت‌های مدنی شود، می‌توان به تحکیم روابط اجتماعی و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی کمک نمود. بدین ترتیب فرضیه این تحقیق اثبات «ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ساختار محله‌های شهری» طراحی شده بر پایه مبانی مشارکت، احساس تعلق و وحدت اجتماعی است. همچنین از میان رویکردهای اخیر در شهرسازی به پاسخ این سؤال می‌پردازیم که «نقش ساختار کالبدی محله در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی چیست؟» به عبارت دیگر، «چه ویژگی‌های کالبدی می‌توانند باعث شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی در محله گردند؟».

می‌پردازند و در مقابل از فرصت‌های نو (Isham, 1999) بهره می‌برند (Woolcock & Narayan, 2000). بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی در درون یک فرد یا یک سازمان اجتماعی وجود ندارد بلکه در فضای ارتباطی میان افراد موجودیت می‌یابد. اغلب نظریه‌های سرمایه اجتماعی بر نقش روابط و مناسبات اجتماعی بر شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید دارند. پیر بوردیو^۳، کولمن^۴، رابرت پاتنام و فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را وابسته به کیفیت روابط اجتماعی متقابل میان اعضاء یک جامعه محلی می‌دانند. به گفته پورتز^۵، بوردیو اولین کسی بود که در دنیای معاصر یک تحلیل سیستماتیک از سرمایه اجتماعی ارائه داد؛ «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع موجود و یا بالقوه حاصل از شبکه ماندگاری از روابط کم و بیش مرسوم و آشنایی و شناخت دو طرفه است» (Portes, 1998). در همین راستا، کولمن سرمایه اجتماعی را یکی از عوامل قدرتمند در عملکرد بسیاری از مکانیسم‌های درون‌زا در ارتباط با محله می‌داند. در واقع این نوع از سرمایه یکی از «منابعی» است که از طریق روابط اجتماعی شناخته می‌شود (Coleman, 1988). در این میان، فوکویاما^۶ پا را فراتر نهاده و سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی می‌داند که از طریق همکاری بین دو یا چند نفر تقویت می‌شود و آن را محصول تعاملات چند جانبه می‌داند. از دیدگاه وی سرمایه اجتماعی محصولی چون اعتماد دارد و هنجارهای این سرمایه

بنابراین، اولین بار ورود موضوع سرمایه اجتماعی به ادبیات مطالعات شهری در سال ۱۹۶۰ با کتاب جین جیکوبز به نام «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی» صورت گرفت. جیکوبز در کتاب خود سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با مسائلی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند (حاجی‌پور، ۱۳۸۵). بدین ترتیب، مفهوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به طور جدی وارد مباحث علوم اجتماعی و اقتصادی گردید.

وولکاک^۱ و نارایان^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه اجتماعی: التزامی در تئوری، مطالعه و سیاست توسعه»، منتشر شده در گزارش سال ۲۰۰۰ بانک جهانی، در پاسخ به این سؤال که «سرمایه اجتماعی چیست؟» این گونه عنوان می‌کنند: «سرمایه اجتماعی آن چیزی نیست که می‌دانید بلکه آن کسی است که می‌شناسید». بحث این گونه ادامه پیدا می‌کند که ایده اولیه در باب سرمایه اجتماعی آن است که روابط خانوادگی فرد، دوستان وی و همکارانش، مهم‌ترین دارایی‌های فرد را تشکیل می‌دهند که در شرایط بحرانی بدون هیچ چشم‌داشت مادی در کنار وی قرار می‌گیرند و از این جهت است که محله‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی متنوع و انجمن‌های مدنی سهم می‌برند، با قدرت بیشتری به مقابله با فقر و آسیب‌پذیری (Moser 1996, Narayan 1995) و حل مشاجرات (Schafft 1998, Varshney 2000)

3 Pierre Bourdieu
4 James S. Coleman
5 Alejandro Portes
6 Francis Fukuyama

1 Woolcock
2 Narayan

تعریف این مفهوم قابل توجه دانست. آن‌ها سرمایه اجتماعی را مرتبط با تمامی روابط مؤثر میان مردم دانسته‌اند؛ روابطی مانند اعتماد، درک متقابل، رفتارها و ارزش‌های مشترکی که اعضاء اجتماعات مردمی و محلی را به هم پیوند می‌دهند و تشریک مساعی را ممکن می‌سازند (Cohen and Prusak, 2001).

بر همکاری گروهی بسیار مؤثر است (زند رضوی و همکاران، ۱۳۸۸).

اما از میان تعاریف متعددی که در طی دهه‌های اخیر از سرمایه اجتماعی در علوم مختلف عنوان شده، می‌توان بیان دون کوهن Don Cohen، و لورنس پروزاک Prusak Laurence را در ارائه

جدول ۱- مقایسه مفهوم سرمایه اجتماعی و نحوه شکل‌گیری آن از دید نظریه‌پردازان مختلف

نظریه‌پرداز	تعریف	نحوه شکل‌گیری	محصول
جیکوبز (۱۹۶۱)	شبکه‌های اجتماعی فشرده در محله‌های قدیمی	روابط اجتماعی منجر به ایجاد کنترل غیررسمی	بهبود کیفیت زندگی
بورديو (۱۹۸۶)	شکلی از سرمایه	شبکه اجتماعی شامل روابط اجتماعی، مشارکت	شکل‌گیری سرمایه اقتصادی
کولمن (۱۹۸۸)	ساختار اجتماعی	روابط اجتماعی	دستیابی به منافع مشترک
پاتنام (۱۹۹۳)	اعتماد، هنجار، شبکه‌ها	همکاری دوجانبه در روابط اجتماعی	ارتباط، مشارکت بهینه، تأمین منافع مشترک
فوکویاما (۱۹۹۵)	هنجار اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی	همکاری و تعاملات چندجانبه	اعتماد، همکاری جمعی
وولکاکونارایان (۲۰۰۰)	شبکه‌های ارتباطی میان افراد	تعاملات اجتماعی	مقابله با آسیب‌ها، استفاده از فرصت‌ها
کوهن و پروزاک (۲۰۰۱)	ریشه تمامی روابط مؤثر میان افراد	تعاملات اجتماعی، اعتماد	تشریک مساعی

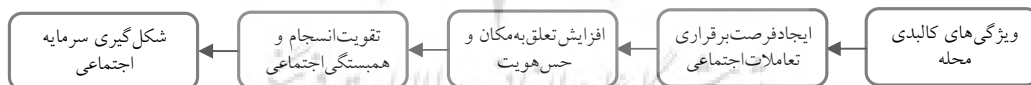
مأخذ: نگارندگان (برگرفته از منابع مختلف)

توجه باعث گردید تا این باور تقویت گردد که محله شهری، بستر مناسبی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و همچنین ایجاد ارتباط با خود مکان است. که هر دوی این روابط برای ایجاد سرمایه اجتماعی مهم می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی در یک محله در شرایطی به وجود می‌آید که تعامل میان ساکنان آن به حد مطلوب خود رسیده باشد. بدیهی است تمامی محله‌ها به این ویژگی دست پیدا نخواهند کرد؛ لیدن معتقد است «برخی

از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که تمامی نظریه‌پردازان در این زمینه-از جیکوبز تا کولمن، پاتنام، فوکویاما و لیدن-همگی اجماع نظر دارند که وجود صورت مطلوبی از روابط اجتماعی میان ساکنان، اساس شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. ارتباط میان سرمایه اجتماعی و مناسبات اجتماعی موجب گردید تا نظریه‌پردازان به عواملی که در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی نقش دارند از جمله نهادهای اجتماعی و فضای کالبدی توجه نمایند. این

محله‌ها به گونه‌ای طرح‌ریزی و ساخته می‌شوند که انگیزه ایجاد تعاملات را به وجود آورند و برخی دیگر، به عکس، از شکل‌گیری این روابط جلوگیری می‌کنند» (لیدن و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، در محله‌ای که «فرصت» جهت «حضور مؤثر» ساکنان در بخش‌های مختلف آن وجود دارد، می‌تواند انتظار داشت که ساکنان کنش‌های جمعی و برخوردهای اجتماعی مؤثرتری داشته باشند به شکلی که مفهوم شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را معنا بخشند. این مسأله مستلزم آن است تا نیازهای امروز ساکنان-اعم از نیازهای فیزیکی که شکل‌دهنده فضاها و کارکردهای مختلف به منظور تأمین میزان کمی روابط چهره‌به‌چهره هستند و همچنین نیازهای روحی و روانی آن‌ها که تأمین‌کننده کیفیت روابط اجتماعی می‌باشند- در ساخت کالبد محله نمود پیدا کند. تنها در صورت تحقق این مهم است که می‌توان بستر مناسبی جهت روابط اجتماعی مطلوب میان

ساکنان به وجود آورد و بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که روابط چهره‌به‌چهره میان ساکنان، حتی اگر از نوع برخوردهای تصادفی در بخش‌های مختلف محله - از پیاده‌راه‌ها تا مکان‌های جمعی محله- باشند، به شکل‌گیری روابط اجتماعی هدفمند منجر گردند. در این شرایط، دیگر ساکنان محله نسبت به همسایگان و یا اتفاقاتی که در محیط زندگی‌شان (محله‌شان) می‌افتد، بی‌تفاوت نخواهند بود؛ چرا که نوعی احساس هویت و تعلق نسبت به محله دارند که موجب می‌شود این «مکان»، چیزی فراتر از یک موجودیت مادی صرف باشد. در این شرایط است که می‌توان گفت که جسم یا کالبد محله از یک روح یا محتوای سالم برخوردار خواهد بود. این محتوای سالم، همان مفهومی است که تحت عنوان سرمایه اجتماعی می‌شناسیم (Error! Reference source not found).



شکل ۱- چگونگی ارتباط میان ویژگی‌های کالبدی محله و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

۱-۲- مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در محله پاتنام (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را به برخی ویژگی‌های سازمان اجتماعی^۱ از قبیل «شبکه‌های اجتماعی»^۲، «هنجارها» و «اعتماد» نسبت می‌دهد و معتقد است که این‌ها عواملی هستند که هماهنگی،

به عبارت دیگر لازمه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، وجود سازمان اجتماعی در محله و یا همان «اجتماع منسجم محلی» است. اما این سازمان اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و نقش کالبد فیزیکی در این میان چیست؟

¹ Social Organization

² Social Networks

باعث می‌شود. چرخه استفاده از این نوع سرمایه و بازخورد مثبت آن تا ابد ادامه خواهد داشت.

لیدن روابط اجتماعی و محلی را مؤلفه‌های کلیدی سرمایه اجتماعی می‌داند. وی معتقد است اصولاً سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که شبکه‌های اجتماعی و کنش‌های متقابل به گونه‌ای شکل بگیرند که اعتماد و روابط متقابل میان شهروندان به وجود آورند (Leyden, 2003). از سوی دیگر، شکوهی دولت‌آبادی و مسعود چهار رکن اساسی را برای سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند: تعاملات اجتماعی، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و رسیدن به اهداف مشترک. بر این اساس، معتقدند برای آن که موتور این شکل از سرمایه روشن شود، می‌بایست تعاملات اجتماعی شکل بگیرد. آن‌ها همچنین در بررسی که بر روی تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی انجام داده‌اند، به این نکته اشاره کرده‌اند که از میان ۳۵ تعریفی که تا کنون برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است، مفاهیمی چون روابط متقابل، کنش‌گری و کنش جمعی بیشترین فراوانی را در بین مفاهیم به کار رفته در آن به خود اختصاص داده‌اند (با ۲۱ بار تکرار در تعاریف) و مفهوم شبکه پیوند اجتماعی (با ۱۷ بار تکرار در تعاریف) بیانگر اهمیت تعاملات اجتماعی در سرمایه اجتماعی است (شکوهی دولت‌آبادی و مسعود، ۱۳۸۹).

از آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که از تقویت میزان کمی و کیفی تعاملات اجتماعی و کنش‌های جمعی مؤثر که در یک محله اتفاق می‌افتد، مفاهیمی چون حس اعتماد و احساس امنیت میان

همکاری و مساعدت جمعی را به منظور دستیابی به منافع مشترک تسهیل می‌کنند (Jenks & Jones, 2010: 108). در حقیقت، میزان روابط اجتماعی در میان «شبکه اجتماعی» موجود در یک محله، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی تعیین‌کننده میزان سرمایه اجتماعی در آن محله است تا آنجا که کیفیت این روابط می‌تواند معرف «هنجارهای اجتماعی» درون این شبکه باشد. در این میان، نقش «اعتماد» به عنوان یک واسطه اهمیت می‌یابد؛ چرا که در محله‌هایی که ساکنان نسبت به یکدیگر نوعی نگرش مثبت داشته و از اعتماد بیشتری برخوردار هستند، روابط اجتماعی بیشتر و سالم‌تر دیده می‌شود.

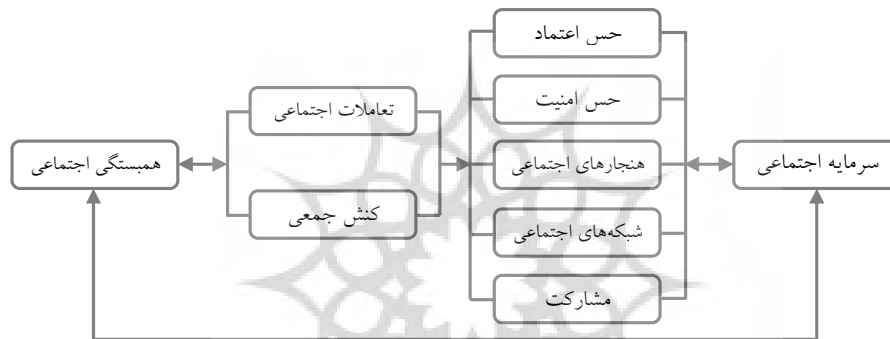
اما نکته قابل توجه آن است که می‌توان یک چرخه ارتباطی میان این مؤلفه‌ها قائل شد. بدین معنا که این‌ها نه تنها واسطه‌هایی برای دستیابی به سرمایه اجتماعی در یک محله هستند، بلکه از مهم‌ترین اهداف آن نیز به شمار می‌روند. به طور مثال، فورست و کرنز عوامل زیر را به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در یک محله معرفی می‌کنند (Forrest & Kearns, 2001):

- مشارکت؛- ایمنی؛
- فعالیت‌های مشترک؛- شبکه‌های فرعی؛
- هدف مشترک؛- هنجارهای مشترک؛
- اعتماد؛- حس تعلق.

به عبارت کلی‌تر، می‌توان این‌گونه عنوان نمود که به کار گرفتن مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، بازتولید این سرمایه را به دنبال خواهد داشت و به عکس عدم بهره‌گیری از این شاخص‌ها، فرسایش و افول آن را

غرور، امنیت، اعتماد از یک سو و همبستگی شکل‌گرفته میان ساکنان، به افزایش تعاملات اجتماعی مطلوب‌تر میان آن‌ها می‌انجامد و این موضوع تقویت مجدد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در پی دارد. بدین ترتیب، با ادامه این چرخه، مصرف هر چه بیشتر این نوع از سرمایه و مؤلفه‌هایش، بازتولید مجدد و محکم‌تر آن را به دنبال خواهد داشت (نمودار 1).

ساکنان شکل می‌گیرد که افزایش همبستگی اجتماعی میان آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، وجود همبستگی و انسجام اجتماعی میان شبکه اجتماعی موجود در محله، هنجارهای اجتماعی را به وجود خواهد آورد. در نهایت، ساکنان محله‌ای که هنجارهای مشترک دارند، نسبت به مسائلی که در محل سکونتشان، در محله‌ای که نسبت به آن احساس تعلق و غرور دارند اتفاق می‌افتد، احساس مسئولیت دارند و همکاری و مشارکت می‌کنند. احساس تعلق،



شکل ۲- چرخه بازتولید سرمایه اجتماعی به واسطه تقویت مؤلفه‌های آن و ارتباط این عوامل با نحوه ایجاد همبستگی اجتماعی در یک «اجتماع منسجم محلی» (مأخذ: نگارندگان)

دستیابی به نوع خاصی از روابط متقابل که همبستگی اجتماعی را در پی دارد و به سرمایه اجتماعی می‌انجامد، ابتدا به بررسی شاخص‌های اجتماعی تأمین‌کننده این دو بپردازیم.

از دیدگاه جان آگینو «مکان» سه مفهوم عمده دارد (شکویی، ۱۳۸۳: ۳۱۷):

- محل: محیطی که در آن روابط اجتماعی شکل می‌گیرد.
- موقعیت نسبی: تأثیرهایی که فرایندهای اجتماعی-اقتصادی در مقیاس‌های وسیع‌تر، بر محل دارند.

۲-۲- سرمایه اجتماعی و شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله

تا اینجا به این نکته رسیدیم که لازمه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در محله، به وجود آوردن کیفیت‌هایی است که منجر به افزایش کمی و کیفی کنش‌های جمعی و تعاملات اجتماعی میان ساکنان می‌گردند. اما درجه مطلوبیت این تعاملات اجتماعی و روابط متقابل را شاخص‌هایی مشخص می‌کنند که در اندازه و کیفیت همبستگی و انسجام اجتماعی میان ساکنان اثرگذارند. بنابراین، لازم است تا به منظور

- حس مکان و ساختار احساس محلی-مکانی (خانه، مدرسه و مراکز مذهبی): گره‌هایی را شکل می‌دهند که حول آن‌ها فعالیت‌های انسانی در جریان‌اند و می‌توانند حس مکان را به لحاظ جغرافیایی و اجتماعی به وجود آورند.

به این ترتیب، این مفهوم در پی تبیین تعامل و رابطه اثر و مؤثر بین مؤلفه‌های مختلف اجتماعی و فضایی است. اجتماع محلی یکی از بسترهای شبکه‌ای است که سرمایه اجتماعی می‌تواند در آن تحقق عینی پیدا کند. به عبارت دیگر، اجتماع محله‌ای همان سرمایه اجتماعی است که در یک کالبد فضایی محدود و چارچوب مکانی مشخص رخ می‌نماید و به شکل مدرن خود- یعنی آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه و پایدار- به فعلیت می‌رسد. از این روست که وجود سطحی از تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعم از اعتماد، هنجار، انسجام و مشارکت) برای تشکیل اجتماع محله‌ای ضرورت می‌یابد (زند رضوی، ۱۳۸۸). به گفته پیراوری سرمایه اجتماعی احساسی زمانی تولید می‌گردد که افراد به زمینه‌هایی وابسته می‌شوند که در آن‌ها رویارویی اتفاق می‌افتد. زمانی که شبکه روابط چهره به چهره متراکم است، این وابستگی افزایش می‌یابد. در نتیجه هزینه‌های ترک واحدهای سازمانی که در آن رویارویی‌های احساسی ایجاد می‌شود، بالا می‌رود. فایده بزرگ چنین رویارویی‌های تکراری و احساسی این است که اگر احساسات تولید شده با اهداف سازمان اجتماعی در یک راستا باشد، می‌تواند نوعی کنترل غیررسمی را به وجود آورد (پیراوری، ۱۳۸۸). میزان سرمایه اجتماعی

(همبستگی اجتماعی)، به واسطه میزان اهمیتی که مردم برای زندگی در یک مکان امن و صمیمی قائل هستند، منعکس می‌شود (Litman, 2012). بنابراین ایجاد یک فضای امن و صمیمی برای ساکنان در یک محله، ارتباط مستقیم با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در آن خواهد داشت.

گلیزر و همکاران در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین جابه‌جایی محل اقامت و عضویت سازمانی رابطه منفی وجود دارد؛ بدین معنا که افرادی که محل اقامت خود را عوض می‌کنند، سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌دهند و کمتر علاقمند به سرمایه‌گذاری بر روی آن هستند. از سوی دیگر، طول مدت اقامت در یک جامعه تا حد زیادی بر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است (ناطق‌پور و فیروزآبادی؛ ۱۳۸۵). دلیل این مسأله را می‌توان جایگاه فرد در سازمان اجتماعی موجود در محله دانست که به وسیله روابط اجتماعی که در طی سال‌ها شکل گرفته است، حس اعتماد، امنیت و هویت را برای وی به ارمغان آورده است. بولن^۱ (۱۹۹۹) ویژگی‌های زیر را برای اجتماعات محلی با سرمایه اجتماعی بالا بر می‌شمرد (حاجی‌پور، ۱۳۸۵):

- مردم احساس خواهند کرد جزئی از محله هستند؛

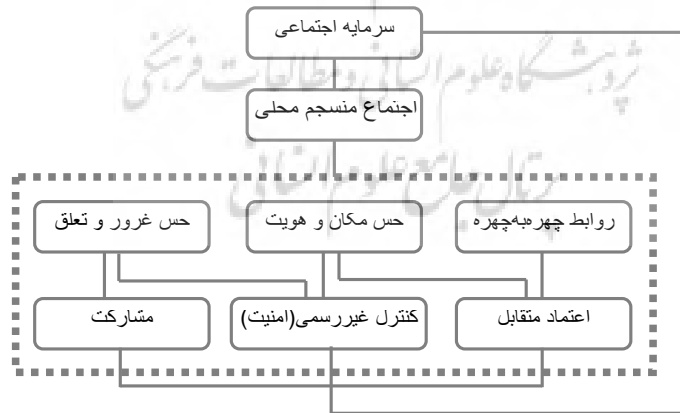
- احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آن‌ها برای مشارکت واقعی در محله تقویت می‌گردد،

¹ Bullen

حقیقت، مظاهر کالبدی می‌تواند به واسطه افزایش میزان ارتباطات چهره به چهره و در نتیجه القای خاطره جمعی در میان اهالی محله، به شکل‌گیری نوعی حس هویت، غرور، تعلق خاطر و حس مکان بیانجامد که همگی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌باشند. در این میان، وجود ارتباط دوسویه میان مؤلفه‌های اجتماعی و برقراری تعاملات اجتماعی از اهمیت ویژه برخوردار است؛ بدین معنا که هر اندازه ساکنان یک محله نسبت به محله خود احساس تعلق خاطر بیشتری داشته و غره باشند، مطمئناً در برقراری ارتباط با همسایگان و سایر اهالی محله نیز مشتاق‌تر خواهند بود. در نهایت، وجود و تداوم این چرخه است که تضمین‌کننده حیات اجتماعی و عامل تقویت میزان سرمایه اجتماعی خواهد بود (Error! Reference source not found).

-محله را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می‌کنند،
-شبکه‌های زیادی از ارتباطات متقابل میان افراد شکل می‌گیرد.
بنابراین، می‌توان محله‌ای که ساکنان نسبت به آن احساس غرور و تعلق دارند و میان آن‌ها شبکه‌ای قوی از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد، را محله‌ای با میزان سرمایه اجتماعی بالا خواند. در چنین محله‌ای است که مفاهیمی چون کنترل غیررسمی و مشارکت شکل می‌گیرد.

آنچه به عنوان یک ویژگی در اجتماعات منسجم محلی اهمیت قابل توجهی دارد، «وجود تعاملات اجتماعی» میان ساکنان در جهت ایجاد «همبستگی اجتماعی» (که پایه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی خواهد بود) برای دستیابی به یک «هدف مشترک» است. اما شکل‌گیری تعاملات اجتماعی یا روابط چهره به چهره نیازمند یک ظرف مکانی است. در



شکل ۳- نحوه اثرگذاری و اثرپذیری سرمایه اجتماعی از شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آن در محله (مأخذ: نگارندگان)

۲-۳- نقش مؤلفه‌های کالبدی محلات شهری در شکل‌گیری مناسبات اجتماعی

به گفته کورش گلکار، محیط بصری مطلوب، به واسطه وسعت بخشیدن به تجربه زیباشناختی شهروندان، موجبات ارتقای تصویر ذهنی جامعه از خویش و تقویت غرور مدنی آنان را فراهم ساخته (گلکار، ۱۳۸۷) و از این جهت، موجب تقویت حس تعلق به مکان و احساس هویت در ساکنان می‌گردد. در جامعه‌ای که ساکنان آن نسبت به مکانی که در آن زندگی می‌کنند حس غرور، تعلق و هویت دارند، میزان تمایل به ایجاد روابط متقابل و تعاملات اجتماعی نیز بیشتر است و بر اساس آنچه گفته شد، روشن است که افزایش میزان تعاملات اجتماعی با شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ارتباط مستقیم دارد.

این مسأله از زاویه دید دیگری نیز مورد توجه است. از گذشته تا به امروز، همواره استفاده از اشکال مختلف سرمایه موجود در جهت شکل‌گیری کالبدی متناسب با نیاز انسان مرسوم بوده است. اما در مورد به‌کارگیری سرمایه اجتماعی به عنوان صورت دیگری از سرمایه، برای دستیابی به بهبود کیفیت زندگی، به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنیم؛ بدین معنا که امروزه به واسطه بازتعریف ساخت کالبدی، به دنبال ایجاد این نوع سرمایه پایا و پایدار هستیم؛ آن‌گونه که به گفته کلاینبرگ (۱۹۹۵) نیز کمک‌های بلاعوض دولتی برای «توسعه اجتماع محلی» در مناطق بی‌رونق عمدتاً با جلوگیری از نابودی جدی آن‌ها، از طریق بهسازی کالبدی مؤثر واقع شده است (عارفی، ۱۳۸۰).

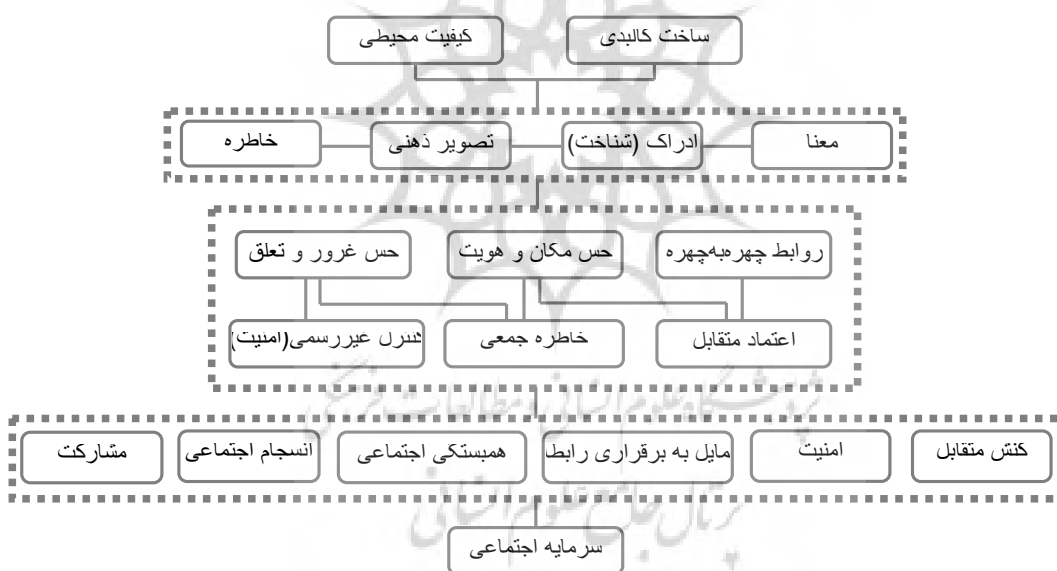
هم در تحقیق خود با مقایسه فرایند باززنده‌سازی هشت محله در لس‌آنجلس دریافت که بهسازی کالبدی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی به کار گرفته شود. بنابراین جنبه مکمل بودن سرمایه اجتماعی و سرمایه کالبدی، به جای قابلیت جایگزینی آن‌ها، به عنوان مبنایی برای سیاست‌های دولتی-داریی-مبنا مطرح گردید. به عقیده وی، بعد فضایی توانمندسازی، حس اجتماع و مکان را تقویت می‌کند (عارفی، ۱۳۸۰).

مؤسسه ویکتوریای کانادا که در مطالعات خود، همواره سرمایه اجتماعی را معادل همبستگی اجتماعی^۱ می‌خواند، وجود این مفهوم را به کیفیت و میزان تعاملات اجتماعی ساکنان در یک محله وابسته دانسته است: «این مفهوم که بر میزان شناخت و توجه ساکنان محله نسبت به محل سکونتشان یا همان احساس تعلق خاطر و حس هویت مکانی دلالت دارد، به کیفیت و میزان تعاملات اجتماعی ساکنان در یک محله وابسته است». در جای دیگر، آن را مربوط به میزان روابط ساکنان و مشارکت آن‌ها معرفی می‌کند (TDM Encyclopedia, 2011). این‌ها عواملی هستند که به میزان قابل توجهی موجب افزایش ارزش املاک در یک محله و کاهش مشکلاتی مانند جرم در آن خواهند بود و بدین صورت، کیفیت زندگی را به سمت مطلوبیت بیشتر سوق می‌دهند (TDM Encyclopedia, 2012).

بتواند زمینه ادراک و شناخت را برای ساکنان فراهم آورد، در شکل‌گیری تصویر ذهنی برای آنان مؤثر واقع می‌گردد که خود زمینه‌ساز شکل گرفتن خاطره جمعی از محل زندگی‌شان است. مجموعه این عوامل، تقویت‌کننده شاخص‌های اجتماعی‌ای چون روابط چهره‌به‌چهره مطلوب، حس مکان و هویت، احساس غرور و تعلق، اعتماد و امنیت هستند که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (نمودار ۲).

در مطالعاتی که لیدن در سال ۲۰۰۳ در زمینه تأثیر محیط مصنوع بر سرمایه اجتماعی انجام داد، به این نتیجه دست یافت که نحوه طراحی ساخت کالبدی محله به ویژه از آن جهت بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی اثرگذار است که میزان تعاملات اجتماعی را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی بالا می‌برد. وی همچنین اشاره می‌کند که نوع و نحوه طراحی محله می‌تواند مشوق ساکنان در زمینه دخالت در امور مربوط به محله باشد و یا تمایل آن‌ها نسبت به مشارکت را به کلی از بین ببرد (Leyden, 2003).

بنا بر آنچه گفته شد، اگر ساخت کالبدی محله شهری با کیفیت محیطی مطلوب آن، دارای معنایی باشد که

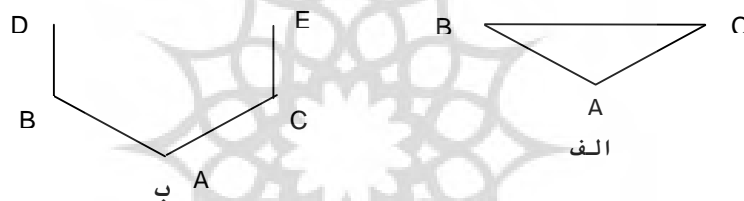


شکل ۴- نقش ساختار کالبدی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

مطلوبی از تعاملات اجتماعی و کنش متقابل میان ساکنان، آنگاه به صورتی از سرمایه اجتماعی دست یافته‌ایم. در حقیقت، شکل‌گیری روابط میان اعضا به یک نوع شناخت از یکدیگر منجر می‌شود که حس

۲-۴- شاخص‌های کالبدی مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی
از مطالب ارائه‌شده تا کنون به این نکته می‌رسیم که کالبد محله اگر مکانی شود برای برقراری شکل

سازمان اجتماعی باز (شکل ۲-الف)، شخص A که با شخص B و C در تعامل است، می‌تواند با کارهایش اثرات منفی برون‌گروهی را بر B یا C تحمیل نماید. از آنجا که این دو به جای رابطه با یکدیگر، با دیگری (D و E) در ارتباط هستند، بنابراین، نمی‌توانند با یکدیگر متحد شده و با حمایت A زنجیره را کامل کنند. در مقابل، در یک ساختار بسته، مانند آنچه در شکل ۲-ب دیده می‌شود، B و C می‌توانند با هم یکی شده و یک حمایت‌گروهی را شکل دهند. و یا اجازه حمایت از A را به دیگری دهند (Coleman, 1988).



شکل ۵- شبکه اجتماعی بسته (ب) و باز (الف) (ماخذ: Coleman, 1988)

ساکنان نسبت به محیط شهری تا حد امکان حفظ نمایند.

اما حریم محله به همان اندازه که ویژگی «غریب‌گز بودن» (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۲۴) را داراست، برای ساکنان به عنوان فضایی در امتداد فضای خصوصی و صمیمی خانه که آن را از فضای عمومی شهر جدا می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۳)، عمل می‌نماید. به گونه‌ای که تعریف استخوان‌بندی، کارکردها، نحوه پخش‌ایش آن‌ها، نشانه‌ها و غیره همگی در شکل‌گیری و نوع روابط متقابل و کنش‌های اجتماعی میان ساکنان تأثیرگذار و حتی تعیین‌کننده خواهند بود. اپلیارد (Appleyard, 1981)

اعتماد و امنیت را در پی خواهد داشت. همچنین همان‌گونه که در بخش قبل اشاره گردید، کالبد مطلوب نوعی حس غرور و حس تعلق را در ساکنانش به وجود می‌آورد که تمایل به مداخله و مشارکت در امور مربوط به محله خود را به دنبال دارد. اما ویژگی‌های این «کالبد مطلوب» چیست و دستیابی به سرمایه اجتماعی از طریق آن چگونه ممکن می‌گردد؟

به عقیده کولمن، یکی از مشخصه‌های روابط اجتماعی، که هنجارهای مؤثر و کارآ به آن وابسته هستند، «بستگی و انسداد Closure» است. در یک

بنابراین، در طراحی «محله» ای که «اجتماع منسجم محلی» را در دل خود جای می‌دهد و به منظور دارا بودن سطح بالایی از سرمایه اجتماعی، بیش از هر چیز محل برقراری تعاملات اجتماعی مطلوب میان ساکنان است، وجود لبه اهمیت ویژه می‌یابد. لبه محله نه تنها تفکیک‌کننده کالبد محله از بقیه قسمت‌های شهر است، بلکه به آن تشخیص داده و برای ساکنان هویت محلی را به ارمغان می‌آورد. در همین راستا، تعبیه ورودی برای محله نیز معرف آن در میان فضای گسترده شهری خواهد بود. ورودی محله می‌بایست به گونه‌ای محدود گردد تا حس دعوت‌کنندگی برای غریبه‌ها را به حداقل برساند و حریم محله را برای

راجرز و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعات خود تأثیرات سرمایه اجتماعی وابسته به پیاده‌راه^۱ را اندازه‌گیری کرده‌اند. ساکنان محله‌های مختلف با ویژگی‌های فرمی متفاوت که خود منجر به سطوح متفاوت قابلیت پیاده‌روی در آن‌ها می‌شود، در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد محله‌هایی که در آن‌ها قابلیت پیاده‌روی بیشتر است، از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند، ضمن آنکه حس سرزندگی نیز در این محله‌ها از درجه بالاتری برخوردار است (Litman, 2012). رعایت تناسبات انسانی در طراحی بدنه‌ها و فرم ابنیه و همچنین در طرح‌ریزی گذرها و معابر، از جمله مواردی هستند که استفاده پیاده از بخش‌های مختلف محله را ترغیب خواهد نمود. در این راستا، وجود درختان ردیفی و سایه‌انداز به خصوص در بخش‌های مرکزی محلی، نه تنها به بهبود کیفیت محیطی کمک می‌کند، بلکه در تشدید حضور ساکنان در این فضاها نقش مؤثر خواهد داشت.

وجود کارکردهای متنوع که تعاملی میان آن‌ها و ساکنان در ساعات مختلف شبانه‌روز دارند، از یک سو سرزندگی را در سطح محله ایجاد خواهد کرد و از سوی دیگر، باعث افزایش میزان کنترل غیررسمی خواهد شد. لیدن، گلدبرگ و میشلباخ (۲۰۱۱) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که دسترسی ساکنان به حمل‌ونقل عمومی، تسهیلات فرهنگی (سرگرمی و کتابخانه) و تسهیلات فراغتی (پارک و تسهیلات ورزشی) با احساس رضایت ساکنان ارتباط

معتقد است تصمیم‌گیری‌ها در حوزه حمل‌ونقل عمومی و برنامه‌ریزی کاربری زمین، به گونه‌های مختلف بر ایجاد همبستگی اجتماعی و در نتیجه آن، سرمایه اجتماعی تأثیرگذار هستند. احتمال شناخت و برقراری ارتباط میان همسایه‌ها در ساکنان خیابان‌های با حجم عبوری کم، کوچه‌های بن‌بست و همسایه‌های ثابت بیشتر از سایر خیابان‌ها و محله‌هاست (Litman, 2012). توجه به طراحی محله در مقیاس پیاده و با رویکرد پیاده-محور، به گونه‌ای که ساکنان را به پیاده‌روی تشویق کند، نه تنها می‌تواند آرامش را به محله و ساکنانش بازگرداند، بلکه عدم قرارگیری خودروها در اولویت برای طرح‌ریزی راه‌ها و گذرها، خود ایمنی را برای ساکنان به ارمغان خواهد آورد و زمینه حضور ساکنان و به ویژه کودکان را در نقاط مختلف محله پررنگ‌تر خواهد نمود. برک و همکاران (Berke et al, 2007) معتقدند ارتباط معناداری میان قابلیت پیاده‌روی در یک محله و علائم افسردگی در مردان کهن سال وجود دارد (همان). در این میان، هندسه راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی نیز در طراحی محله، می‌تواند به درک محیط و ایجاد خوانایی برای ساکنان و دیگران کمک نماید. به طور مثال، ایجاد شبکه‌های شطرنجی خوانایی را تا حد بسیار زیادی پایین می‌آورند. به عکس، استفاده از شبکه‌های حلقوی، به ویژه با استفاده از نشانه‌هایی در سطح محله، نه تنها میزان خوانایی را بالا می‌برد، بلکه به دلیل ایجاد تنوع فضایی، مشوق ساکنان به پیاده‌روی و تجربه نقاط مختلف فضا خواهد بود.

مستقیم دارند (Leyden et al, 2011). بنابراین ایجاد مرکز محله، به عنوان مکانی که بخش عمده تعاملات اجتماعی در آن اتفاق می‌افتد، اهمیت ویژه دارد. تعبیه فضاهایی در این مرکز (که لزوماً مرکز فیزیکی محله نیست اما بهتر است امکان دید به نقاط مختلف محله از آن وجود داشته باشد)، به منظور برگزاری جشن‌ها و سایر مراسم در ایام مختلف سال به ایجاد سرزندگی محله و القاء حس تعلق در ساکنان بایستی مورد توجه قرار گیرد. این مکان همچنین می‌تواند به عنوان مکان برگزاری نظرسنجی‌ها در زمینه‌های مختلف مربوط به امور محله مورد استفاده قرار گیرد تا تداومی‌کننده حس مالکیت در ساکنان باشد. علاوه بر کارکردهای اصلی که در مرکز محله ایجاد می‌شوند، ایجاد عناصر و فضاهای خاطره‌ساز جمعی در نقاط مختلف محله و اعمال کارکردهایی جهت تشویق فعالیت‌های خاطره‌ساز مانند فرهنگسراها و یا محل‌های بازی دسته جمعی، القاء‌کننده حس مکان و حس تعلق خاطر در ساکنان خواهند بود.

از دیگر نکاتی که در طراحی کالبدی محله می‌تواند به بهبود کیفیت حضور فعال در فضاها و بخش‌های مختلف محله برای ساکنان منجر شود، استفاده از تأکیدات عمودی در طراحی و عناصر شاخص اعم از بناهای معماری یا عناصر شاخص یادمانی است که خوانایی را از نقاط مختلف تأمین می‌کند. همچنین دسترسی به مغازه‌ها و فضاهای جذاب، تمیز و ایمن (که شامل احساس امنیت به هنگام پیاده‌روی در شب نیز است) که محیط مناسبی برای پرورش کودکانشان به شمار می‌رود، همگی از عواملی هستند که میزان رضایتمندی در ساکنان را تعیین می‌کنند (همان). وجود بدنه‌های شفاف (بازشو و پنجره در بدنه‌ها) از یک‌سو و اعمال نور مناسب در شب نیز می‌تواند میزان کنترل غیررسمی را بالا برده و از بروز جرم در محله پیشگیری نماید.

Error! Reference source not found. عوامل کالبدی مؤثر در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و نحوه اثرپذیری آن‌ها از کالبد را نشان می‌دهد.



شکل ۶- نحوه اثرگذاری و اثرپذیری ساختار کالبدی محله و سرمایه اجتماعی از یکدیگر (مأخذ: نگارندگان)

۳- نتیجه‌گیری

می‌توان گفت که محله‌هایی که از درجه بالایی از

مطالعات نشان می‌دهد که میان شکل‌گیری روابط اجتماعی درون شبکه در محله، که موجبات شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد، با میزان پایداری محله ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. در محله‌های که «مناسبات اجتماعی» در طول سالپان به واسطه «روابط چهره به چهره» میان ساکنان شکل گرفته است، درجه بالاتری از «اعتماد»، «امنیت»، «کنش متقابل»، «همبستگی» و «انسجام اجتماعی» وجود دارد. در این محله‌ها افراد تمایل بیشتری به «مشارکت» در امور مربوط به محله خود نشان می‌دهند؛ چرا که نسبت به محل زندگی‌شان احساس «غرور»، «تعلق» و «هویت» دارند. از آنجا که این‌ها همه از شاخص‌های پایداری محله می‌باشند، بنابراین

سرمایه اجتماعی برخوردارند، پایدارترند. اما بررسی دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد که دستیابی به سرمایه اجتماعی، یک پروسه ظریف و بسیار پیچیده است. آن گونه که از بحث‌های پیش گفته نیز برمی‌آید، ساختار کالبدی می‌تواند بر شکل‌گیری و تقویت آن مؤثر باشد. در محله‌هایی که کالبد فیزیکی و کیفیت محیطی شرایط مساعدی برای حضور ساکنان در بخش‌های مختلف محله فراهم می‌کنند، سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی دیده می‌شود. بنابراین، نظریه‌پردازان و دانشمندان علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی همگی بر این مسأله اجماع نظر دارند که اگر ساخت کالبدی محله، امکان بروز تعاملات اجتماعی بیشتر و مطلوب‌تری فراهم آورد، شرایط جهت شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی فراهم

می‌آید. به همین دلیل به طور مثال در محله‌های پیاده-محور که امکان برخوردهای اجتماعی افراد-اعم از برخوردهای تصادفی و پیش‌بینی شده به مراتب بیشتر از محله‌هایی است که ساکنان خودرو را برای رفت‌وآمدهای روزمره ترجیح می‌دهند. در همین محله‌هاست که تعاملات اجتماعی ساکنان منجر به شکل‌گیری اعتماد میان آن‌ها شده و نوعی کنترل غیررسمی را به دنبال دارد.

از سوی دیگر، محیط کالبدی مطلوب در محله قادر است تا با القای معنا، شناختی از خود در ذهن ساکنان به وجود آورد و با گذشت زمان این تصویر ذهنی به عنوان خاطره جمعی از آن مکان، موجبات ایجاد حس تعلق مکانی، حس هویت و غرور را فراهم می‌آورد. ساکنان محله‌ای که نسبت به محل زندگی‌شان احساس تعلق خاطر، هویت و غرور دارند، چشم‌های پنهانی هستند که از بروز آسیب‌ها جلوگیری می‌نمایند و به نوعی امنیت جامعه محلی خود را تأمین می‌کنند. این‌ها کسانی هستند که در امور مربوط به محله با اشتیاق فراوان همکاری و مشارکت می‌کنند.

بنابراین، مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، مانند حس اعتماد، امنیت، مشارکت و هنجارها و شبکه‌های اجتماعی در محله‌هایی که از میزان کمی و کیفی بالاتری از روابط اجتماعی برخوردارند، شکل می‌گیرند. در محله‌هایی که روابط چهره به چهره میان ساکنان از حوزه برخوردهای تصادفی خارج شده و به صورت هدفمند و انتخابی صورت می‌گیرند، درجه بالایی از حس هویت،

اعتماد، امنیت و مشارکت به وجود می‌آید. در این محله‌هاست که می‌توان منتظر شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر بود؛ نمود بارز این‌گونه محله‌ها را در بافت‌های تاریخی ایران می‌توان جستجو نمود، محله‌هایی که وجود سرمایه اجتماعی در آن‌ها از بارزهای اصلی‌شان به شمار می‌رود.

به عبارت دیگر، در محله‌هایی که ساخت کالبدی و کیفیت محیطی موجود، برای ساکنان درجه‌ای از شناخت (ادراک) از محیط و به دنبال آن معنا به ارمغان می‌آورد، می‌توان انتظار داشت که تصویر ذهنی ایجاد شود و خاطره‌ای شکل گیرد. محله‌ای که ساکنانش آن را به خاطره‌هایشان «می‌شناسند»، چیزی بیش از یک کالبد متشکل از مجموعه کاربری‌هاست: در آن روحی وجود دارد که برای ساکنانش حس تعلق خاطر، هویت، غرور و تعلق و امنیت به همراه دارد و سرچشمه وجود انسجام و همبستگی اجتماعی میان آن‌هاست که از موجبات شکل‌گیری اجتماع منسجم محله‌ای است. از مهم‌ترین ویژگی‌های یک اجتماع منسجم محلی، وجود سرمایه اجتماعی در آن است.

بدین ترتیب اگر به طور خلاصه، کالبد را وسیله‌ای بدانیم که به واسطه سازماندهی روابط متقابل در یک محله، موجبات شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد، آنگاه می‌توان ویژگی‌های کالبدی‌ای را برشمرد که تقویت‌کننده مناسبات اجتماعی باشند. در این راستا، پیش از هر چیز وجود مرز محله به عنوان عاملی که تعریف‌کننده محدوده آن برای ساکنان است و پس از آن، مرکز محله به عنوان مهم‌ترین فضای

پیراهری، نیر (۱۳۸۸): "سرمایه اجتماعی در نظریات جدید"، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۰۹.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴): "سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی"، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، ۷۰۴ صفحه.

حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵): "برنامه‌ریزی محله مینا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار"، تهران: نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۴۶-۳۷.

خاکپور، براتعلی، مافی، عزت‌الله و باوان‌پوری، علیرضا (۱۳۸۸): "نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجاده مشهد)", مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، صص ۸۱-۵۵.

ربانی خوراسگانی، علی و صدیق اورعی، غلامرضا و خنده رو، مهدی (۱۳۸۸): "بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۴۹-۱۱۹.

زند رضوی، سیامک، ضیائی، کیوان و رحمانی، مریم (۱۳۸۸): "ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر «دوستدار کودک» در بم"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳: صص ۱۰۳-۸۱.

جمعی عمومی محله پیشنهاد می‌گردد. مرکز محله، که لزوماً در مرکز فیزیکی آن جا ندارد، فضایی است که عناصر کارکردی اصلی محله را در خود داشته و همواره فعال است؛ مکانی است که مردم یکدیگر را به بهانه‌های مختلف دیدار می‌کنند. در کنار این دو عنصر مهم، ویژگی‌های کالبدی دیگری نیز مطرح هستند که پیش از این در **Error! Reference source not found.** به آن‌ها اشاره گردید.

بدین ترتیب، الگوی ساخت کالبدی را می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دستیابی به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانست، ضمن آنکه کالبد، اگر به درستی طرح‌ریزی گردد، راهکاری پایدار خواهد بود و به سادگی دچار زوال و نابودی نمی‌شود.

منابع

اردشیری، مهیار و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۹): "هویت شهری شیراز"، شیراز، انتشارات: نوید شیراز، ۴۱۵ صفحه.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱): "معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن"، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۴۹۷ صفحه.

بتلی، ای‌ین (۱۳۸۷): "محیط‌های پاسخده"، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت، ۴۳۹ صفحه.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵): "مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری"، چاپ اول، تهران: انتشارات شهیدی، ۲۵۴ صفحه.

- پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۳۶-۱۱۳.
- گروسی، سعیده و نقوی، علی (۱۳۸۷): "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۸۲-۶۱.
- گلکار، کورش (۱۳۸۷): "محیط بصری شهر: سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار"، مجله علوم محیطی، سال پنجم، شماره چهارم: صص ۱۱۴-۹۵.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶): "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۶۸۱ صفحه.
- لینچ، کوین (۱۳۸۷): "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، ۳۳۱ صفحه.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۹): "فضاهای عمومی و خصوصی شهر"، مترجم: فرشاد نوریان، تهران، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، ۲۸۸ صفحه.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹): "طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۳۳۰ صفحه.
- معیدفر، سعید و مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹): "نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای ناهنجار اجتماعی در شهر: مطالعه محله‌های شهر تهران"، مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۱۵.
- سعیدی رضوانی، نوید و حبیبی، فرزانه: "ایجاد «پهنه خانگی» روشی برای تولید خیابان‌ها و محله‌های زیست‌پذیر (از مفهوم تا اجرا)"، آبان‌ماه ۱۳۹۱، سایت جامع مدیریت شهری: www.UrbanManagement.ir.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰): "دایره‌المعارف علوم اجتماعی"، تهران: انتشارات کیوان، ۵۲۲ صفحه.
- شکوهی دولت‌آبادی، محمود و مسعود، محمود (۱۳۸۹): "پیاده‌راه عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی"، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱: صص ۶۶-۵۵.
- شکویی، حسین (۱۳۸۳): "اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا"، تهران، انتشارات گیتاشناسی، ۳۵۵ صفحه.
- عبداللهی، مجید، صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹): "بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران"، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۹: صص ۱۰۲-۸۳.
- عارفی، مهیار (۱۳۸۰): "به سوی رویکرد دارای-مبنا برای توسعه اجتماع محلی"، ترجمه نوین تولایی، تهران: هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۲۲-۳۳.
- قاسمی، وحید و نگینی، سمیه (۱۳۸۹): "بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان"، مطالعات و

- Dale, A. and Newman L. (2010), (Social Capital: A Necessary and Sufficient Condition for Sustainable Community Development?, Community Development journal, 45 (1): pp. 5-21.
- Downs, A. (1981); *Neighborhoods and Urban Development*; Washington, D. C.: Brookings Institution: 189 pages.
- Forrest, R. and Kearns, A. (2001); *Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood*; Pennsylvania State University: Urban Studies, Vol. 38, No. 12: pp. 2125-2143
- Gaffron, P. Huismans, G. and Skala, F. (2005); *Ecocity book 1: A Better Place to Live*; Hamburg, Vienna: FacultasVerlags-und Buchhasdels AG at: www.china-up.com:8080/international/case/case/195.pdf.
- Hawe, P. and Shiell, A. (2000); *Social capital and health promotion: a review*; Social Science & Medicine, Vol. 51, No. 6: pp. 871-885.
- Hillery, G. A. (1982); *A Research Odyssey: Developing and Testing a Community Theory*; New Jersey: (online book on <http://books.google.co.uk/>): 253 pages.
- Jenks, M. and Jones, C. (2010), *Dimensions of the Sustainable City: Vol. 2*, Springer: 282 pages.
- Krier, L. (2009); *The Architecture of Community*; Washington: Islandpress: 496 pages.
- Leyden, K. M. , Goldberg A. and Michelbach Ph. (2011); *Understanding the Pursuit of Happiness in Ten Major Cities*; Urban Affairs Review, Vol. 47, No. 6: pp. 861-888
- Leyden, K. M. (2003); *Social Capital and the Built Environment: the Importance of Walkable Neighborhoods*; American Journal of Public Health, Vol. 93, No. 9: pp. 1546-1551.
- ناطق‌پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵): "شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر بر آن"، مجله علوم اجتماعی، دوره ۲۸، شماره ۲: صص ۱۹۰-۱۶۰.
- نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸): "بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت (نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان)"، دو فصلنامه آرمانشهر، شماره ۳، صص ۶۹-۵۷.
- Barton, H. (2000); *Sustainable Communities: The Potential for Eco-Neighborhoods*; London:Earthscan Publication Ltd: 326 pages.
- Barton, H. (2003); *Shaping Neighborhoods:For Local Health and Global Sustainability* ; New York: Spon Press: 344 pages.
- Bouchard, L. andMcDowell, L. (2007); *The Paradigms course covers ways of thinking about population health; Scientific Paradigms in Population Health, Course Outline at: http://courseweb.edteched.uottawa.ca/pop8910/Notes/Social_Capital.htm*
- Claridge, T. (2004); "Social Capital and Natural Resource Management", Unpublished Thesis; University of Queensland, Brisbane, Australia; at <http://www.socialcapitalresearch.com/>
- Cohen, D. and Prusak, L. (2001); *In Good Company: How Social Capital Makes Organisations Work*; Harvard Business School Press: USA, Boston, Mass: 224 pages.
- Coleman, J. S. (1988),*Social Capital in the Creation of Human Capital*,the American Journal of Sociology 94, Supplement: S95-S120.

- Reviews of Sociology; Vol. 28: pp. 443-478.
- TDM Encyclopedia (2011); Community Livability, Helping to Create Attractive, Safe, Cohesive Communities; Victoria Transport Policy Institute, Updated 17 June 2011 available at: www.vtpi.com.
- TDM Encyclopedia (2012); Land Use Evaluation: Evaluating How Transportation Decisions Affect Land Use Patterns, and the Economic, Social and Environmental Impacts That Result; Victoria Transport Policy Institute, Updated 10 September 2012.
- Wood, L. , Giles-Corti, B. and Bulsara, M. (2012); Street Apart: Does Social Capital Vary with Neighbourhood Design?; Hindawi Publishing Corporation: Urban Studies Research, Volume 2012, Article ID 507503.
- Woolcock, M. and Narayan, D. (2000); Social Capital: Implications for Development Theory, Research and Policy; World Bank Research Observer, vol. 15, No. 2: pp. 225-49.
- Litman, T. (2012); Community Cohesion As A Transport Planning Objective; Victoria Transport Policy Institute, available at: www.vtpi.com.
- Macintyre S. , Ellaway A. , and Cummins S. (2002); Place effects on health: how can we conceptualise, operationalise and measure them?; Social Science and Medicine, vol. 55, no. 1: pp. 125-139.
- Mayer, M. (2003); The Onward Sweep of Social Capital: Causes and Consequences for Understanding Cities, Communities and Urban Movements; International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 27. 1: pp. 130-108.
- Portes, A. (1998); Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology; Annual Review of Sociology, Vol. 24: pp. 1-24.
- Putnam, R. D. (1993); The Prosperous Community, Social Capital and Public Life; The American Prospect 13: pp. 35-42
- Putnam, R. D. (2007); E Pluribus Unum: Diversity and Community in the Twenty-first Century the 2006: Johan Skytte Prize Lecture; Scandinavian Political Studies, Vol. 30, no. 2, pp. 137-174.
- Sampson, R. J. , Morenoff J. D. and Gannon-Rowley T. (2002); Assessing "Neighborhood Effects": Social Processes and New Direction in Research; Annual